

مقایسه قرارداد اختیار معامله با قمار در حقوق ایران و انگلیس

جواد حسین‌زاده^{۱*}، فرنوش موسی‌زاده^۲

۱. استادیار گروه حقوق، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران
۲. کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۸

دریافت: ۱۳۹۲/۹/۸

چکیده

قرارداد اختیار معامله یکی از ابزارهای مشتقه مالی است که در جهت مدیریت و کنترل ریسک استفاده می‌شود. وجود پاره‌ای شبیهات، مفید بودن این ابزار را در بازارهای مالی اسلامی تحت تأثیر قرار داده است. منتقدین، این قرارداد را به واسطه ایراداتی چون شرط‌بندی نسبت به قیمت‌های آینده، به خطر انداختن سرمایه و به دست آوردن سود بدون زحمت، عدم قصد طرفین برای انجام معامله، نداشتن سبب مشروع برای دارا شدن و... قمار و باطل می‌دانند. این نوشتار ضمن مقایسه قرارداد اختیار معامله با قمار در حقوق ایران و انگلیس به این نتیجه رسیده است که این ایرادات از یک سو ناشی از ویژگی‌های خاص قرارداد اختیار معامله و از سوی دیگر ناشی از عدم شناخت دقیق این قرارداد و قمار است. بنابراین، شباهت‌های مطرح شده در این خصوص ظاهری است و این دو قرارداد از نظر ماهیت، موضوع، کارکرد، هدف، احکام و... کاملاً با یکدیگر متفاوتند.

واژگان کلیدی: ابزارهای مشتقه مالی، بازار سرمایه، قرارداد اختیار معامله، قمار

۱. مقدمه

قانون جدید بازار اوراق بهادار مصوب آذرماه ۱۳۸۴ ابزارهای مشتقه را از جمله قراردادهای قابل معامله در بورس قلمداد کرده است. با این حال در بازارهای بورس ایران تا کنون کمتر از این ابزارها استفاده شده است؛ زیرا قرارداد اختیار معامله علاوه بر مشکلات ناشی از ساختار بازار سرمایه ایران با مشکل انطباق با موازین شرعی نیز روبه‌رو است.

قرارداد اختیار معامله به‌عنوان یکی از ابزارهای مشتقه مالی عبارت است از قراردادی میان دو طرف که یک طرف در ازای پرداخت وجهی به طرف مقابل، حق خرید یا حق فروش دارایی مشخص را به قیمت تعیین شده، در زمان مشخص در آینده یا قبل از آن به دست می‌آورد [۱، ص ۱۹۶].

ویژگی شاخص این قرارداد، ایجاد اختیار برای «خریدار اختیار» از یک سو و ایجاد تعهد برای «فروشنده اختیار» از سوی دیگر است. به بیان دیگر در این قرارداد، خریدار اختیار هیچ التزامی به خرید یا فروش موضوع قرارداد در آینده ندارد، در حالی که فروشنده اختیار در ازای عوضی که دریافت می‌کند خود را به خرید یا فروش مورد قرارداد در سررسید یا قبل از آن ملزم می‌کند [۲، ص ۱۱۱].

یکی از ایرادهای که به طور جدی بر قرارداد اختیار معامله وارد شده است، شبیهه قمار بودن آن است. چنان‌که بسیاری از اندیشمندان اهل سنت بر قمار بودن این قرارداد تأکید دارند. برای مثال تقی العثماني می‌گوید: «قرارداد اختیار معامله در هیچ‌یک از عقود شناخته شده اسلامی جای نمی‌گیرد و بدین ترتیب شباهتی با قمار دارد؛ زیرا خریدار اختیار پولی پرداخت می‌کند در برابر مصون ماندن از خطر و این شبیهه قرارداد بیمه است که نزد ما پذیرفته نیست» [۱، ص ۲۱۲]. همچنین سمیر عبدالحمید رضوان نیز معتقد است اختیار معامله از جنس قمار و برد و باخت بوده، در نتیجه باطل است [۳، ص ۱۲۶].

در حقوق انگلیس نیز منتقدین مهم‌ترین اشکال قرارداد اختیار معامله را قمار بودن آن می‌دانسته‌اند؛ چرا که سرنوشت این قرارداد و همچنین میزان سود و زیان طرفین و

منشأ سود در آن نامعلوم است.

وضعیت حقوقی و فقهی و همچنین اوصاف قرارداد اختیار معامله به تفصیل در گذشته مورد بحث واقع شده [۲، ص ۱۰۱؛ ۴، ص ۶۵]؛ ولی ایراد قماری بودن آن در تحقیقی مستقل بحث نشده است. پژوهش حاضر بر آن است تا به این شبهه به تفصیل پاسخ دهد.

ایراد قماری بودن قرارداد اختیار معامله به دو صورت بیان شده است. گروهی این قرارداد را از نظر ماهیت قماری می‌دانند. برخی دیگر، اصل قرارداد را قمار می‌دانند، اما در پاره‌ای موارد درآمد و سود حاصل از این قرارداد را به علت ویژگی‌های خاص آن قمار می‌دانند. در پاسخ به این ایرادات، ابتدا مفهوم قمار در حقوق ایران و انگلیس بیان می‌شود و سپس هریک از ایرادهای فوق به طور مستقل مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۲. مفهوم قمار

۲-۱. قمار در حقوق ایران

قمار در لغت از ماده «قمر، یقمر، قمرأ» به معنای «باخت» و «غلبه کرد او را در باختن» است [۵، ص ۳۶۷]. از آن‌جا که قوانین ایران همواره تحت تأثیر آموزه‌های اسلامی بوده است، می‌توان اولین منع نسبت به قمار را در آیات قرآن یافت. قرآن کریم در آیات ۹۰ و ۹۱ سوره مائده و ۲۱۹ سوره بقره تعلیل کرده است که پرداختن به قمار و قماربازی موجب پیدایش دشمنی و کینه میان مردم و دوری آنان از یاد خدا و عبادت او می‌شود. به همین علت همه فرقی اسلامی بر حرام بودن قمار اجماع دارند. علاوه بر اجماع، عقل نیز به استناد «قبح اکل مال به باطل» آن را حرام می‌داند. دلیل دیگر ممنوعیت قمار می‌تواند آثار مخرب آن بر زندگی فردی، اجتماعی و رشد اقتصادی یک جامعه باشد. در قوانین مدنی و جزایی ایران به رغم ممنوعیت و بطلان قمار، تعریفی از آن ارائه نشده است. بدین ترتیب برای یافتن تعریف قمار باید به منابع فقهی رجوع کرد. اکثر فقیهان در بیان مفهوم قمار به دو عامل مهم «بازی با آلات قمار» و «برد و باخت» اشاره

کرده‌اند. همان‌گونه که شیخ انصاری با اشاره به تعریف اهل لغت قمار را «بازی با یکی از آلات قمار به شرط برد و باخت» می‌داند. ایشان با در نظر گرفتن عامل برد و باخت یا عدم آن و همچنین لحاظ کردن عامل بازی با وسایل مخصوص قمار یا عدم آن چهار حالت را برای قمار متصور دانسته است [۶، ص ۳۷۱].

(۱) بازی با وسایل مخصوص قمار همراه با شرط‌بندی و برد و باخت.

(۲) بازی با غیر وسایل قمار همراه با شرط‌بندی و برد و باخت.

(۳) بازی با وسایل مخصوص قمار بدون شرط‌بندی و برد و باخت.

(۴) بازی بدون وسایل قمار و بدون شرط‌بندی و برد و باخت.

در مورد حالت اول، یعنی بازی با آلات مخصوص قمار به همراه شرط برد و باخت، فقیهان شیعه و عامه به اتفاق حکم به حرمت داده‌اند [۶، ص ۳۷۱؛ ۷، ص ۳۶۸].

در مورد حرمت حالت دوم نیز اختلاف‌نظری نیست و حتی در این خصوص نیز ادعای اجماع شده است [۶، ص ۳۷۵؛ ۷، ص ۳۶۸؛ ۸، ص ۱۰۹؛ ۹، ص ۹]. این حالت دارای مفهوم عام‌تر از حالت اول است، زیرا مصادیق حالت اول را نیز شامل می‌شود. به بیان دیگر، وقتی بازی کردن بدون وسایل مخصوص قمار با شرط برد و باخت قمار و حرام است، پس به طریق اولی بازی کردن با این وسایل همراه با برد و باخت قمار و حرام است. در واقع در این حالت شرط عوض (مراهنه) به‌عنوان عنصر اساسی تحقق قمار مورد توجه قرار گرفته است.

در خصوص حرمت حالت سوم اتفاق نظر وجود ندارد. برخی از فقها صرف بازی با وسایل مخصوص قمار و بدون شرط برد و باخت را مشمول حکم قمار می‌دانند [۱۰، ص ۴۱؛ ۱۱، ص ۱۲۳]. گروهی دیگر، در قمار دانستن این حالت ابراز تردید کرده، برد و باخت را در تحقق مفهوم قمار و تسری حکم آن شرط می‌دانند [۸، ص ۱۰۹؛ ۱۲، ص ۱۰۴]. شیخ انصاری نیز ضمن بیان این نظر، در نهایت با استناد به روایاتی که در آن صرف بازی و لعب دایر مدار حکم حرمت قرار گرفته است، برد و باخت را در حرمت بازی با وسایل قمار شرط نمی‌داند [۶، ص ۳۷۳]. از این دیدگاه، صرف بازی با وسایل قمار به علت صدق عنوان میسر بر آن و بازداشتن از یاد خدا دارای حرمت شرعی تلقی شده است.

درخصوص حالت چهارم، نظر فقیهان بر حلیت و جواز است، زیرا در آن از وسایل مخصوص قمار استفاده نشده و شرط برد و باختی نیز وجود ندارد. برخی از حقوقدانان نیز قمار را هر نوع شرط‌بندی در مقابل عوض تعریف کرده‌اند [۱۳، ص ۵۵۱] و برخی دیگر معتقدند که قمار از نظر حقوقی قراردادی است بین دو یا چند نفر که بازی مخصوص کنند و هریک از آن‌ها که برنده شد، دیگران مال معینی را به او بدهند [۱۴، ص ۲۱۰]. در هر حال ماده ۶۵۴ قانون مدنی ایران، قمار و گروبنندی را باطل و دعاوی مربوط به آن را غیر قابل استماع اعلام کرده است.

۲-۲. قمار در حقوق انگلستان

قمار در متون حقوقی انگلیس سابقه دیرینه دارد. صرف‌نظر از قوانین متعددی که در طی قرون اخیر در این خصوص وضع شده است، جدیدترین قانون در این زمینه قانون قمار سال ۲۰۰۵ است.^۱ علاوه بر این، قانون خدمات مالی ۱۹۸۶^۲ و قانون خدمات و بازارهای مالی سال ۲۰۰۰^۳ نیز به این موضوع اشاره کرده است.

در زبان انگلیسی، کلمه gambling (قمار) مشتق از کلمه میانی انگلیسی gamen به معنای مات و متحیر کردن خود است. برابر تعریف فرهنگ لغت، قمار به معنای بازی کردن به منظور بردن پول یا هر چیز با ارزش است، در صورتی که برنده شدن به شانس و تصادف وابسته باشد [۱۵، ص ۲۳۶].

لرد ویلبر فورس در پرونده سیی علیه ایست وود^۴ اذعان می‌دارد: تنظیم تعاریف دقیق که بتواند تمام اقسام قمار را پوشش دهند امری غیرممکن است و تلاش برای این منظور نیز در حقیقت تلاشی است که ما را از هدف اصلی دور می‌کند. هم‌چنان‌که قوانین نیز سرشار از اصطلاحاتی هستند که به دقت تنظیم نشده‌اند [۱۶، ص ۲]. با تدوین قانون قمار سال ۲۰۰۵ به نظر می‌رسید مناقشات و ابهامات در این خصوص به

1. Gambling Act 2005
2. Financial Act Service 1986
3. Financial Services & Markets Act 2000
4. Seay v. Eastwood, 1976

پایان رسیده و قانون با ارائه تعریف واحد به مشکلات خاتمه داده است؛ اما این قانون نیز به جای این که تعریف مشخص و واحدی از قمار ارائه دهد تنها فهرستی از اعمالی را بیان کرده که از نظر این قانون قمار هستند.^۱

جهت روشن شدن این ابهامات استناد به رویه قضایی انگلیس راهگشا است. یکی از تعاریف مشهور از قمار در حقوق انگلستان، تعریف شرط بندی و قمار در پرونده کارلیل علیه اسموک بال است^۲ [۱، ص ۲۱۱] که توسط قاضی هاوکینز ارائه شده است، وی معتقد است «شرط بندی قرارداد میان دو طرف است که هریک از آنها راجع به یک واقعه غیر قطعی در آینده نظری متضاد طرف مقابل دارد و مشترکاً در ارتباط با تعیین یک واقعه، توافق کرده اند که یکی از دیگری (در صورت وقوع آن حادثه) خواهد برد و دیگری به خاطر باخت مبلغی را پرداخت یا تسلیم می کند. هیچ یک از طرفین قرارداد غیر از مبلغی که برنده یا بازنده می شوند، هیچ گونه نفع یا ضرری در این قرارداد ندارد. همچنین غیر از مبلغ شرط بندی هیچ عوض واقعی دیگری برای طرفین قرارداد در این عقد وجود ندارد. این که هریک از طرفین تحت این قرارداد ببرد یا ببازد ضروری است، این برد و باخت بستگی به وقایع دارد و این واقعه تا زمانی که به وقوع بپیوندد، غیر قطعی و غیر قابل پیش بینی است. اگر هریک از طرفین امکان بردنش باشد، اما امکان باختش نباشد یا بالعکس این قرارداد شرط بندی نیست».

از سوی دیگر، قاضی سیرز در پرونده ریچاردسون^۳ شرط بندی را هم معنای قمار دانسته و به این ترتیب از تعریف سنتی شرط بندی (قمار) توسط قاضی هاوکینز پیروی کرده است. از نظر ایشان «قمار در قانون ممکن است قماربازی یا شرط بندی و یا در اصطلاح محاوره ای - هزینه بی مبالاتی پرمخاطره - قلمداد شود...» [۱، ص ۲۱۰-۲۱۱]. پس برابر نظر قاضی سیرز، قمار و شرط بندی به یک معنا هستند. به عبارت دیگر در هر دو، طرفین به امید برنده شدن از روی شانسی، پولی به میان می گذارند. البته در

1. Sec. 3 of part 1, Gambling Act 2005

2. Carlill v. Carbolic Smoke Ball Company 1892

3. Richardson Greenshields of Canada Pacific Ltd V. KeungChak-kiu and Hong, Kong Futures Exchange Ltd. 1989.

قمار برنده شدن نتیجه بازی کردن است، اما در شرط‌بندی وابسته به نتیجه یک واقعه است. از نظر وی علاوه بر این که قمار و شرط‌بندی هم‌معنا هستند، ویژگی‌های یک قرارداد شرط‌بندی - که قاضی هاوکینز برشمرد - به‌عنوان خصیصه قمار نیز به کار می‌رود.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلیس «برد و باخت مبتنی بر واقعه غیرقطعی و شانسی» یکی از عناصر اصلی قمار تلقی شده است. در عین حال، در حقوق انگلیس عامل دیگری نیز شاخصه قمار و شرط‌بندی به شمار آمده است که آن «وجود منفعت قماری صرف در قرارداد و فقدان منفعت عقلایی دیگر» است. بدین ترتیب در حقوق انگلیس اگر برد و باخت فقط برای یکی از طرفین باشد یا برد و باخت یکی از آنان از ابتدا مسجل باشد قرارداد قماری نیست. همچنین اگر در قرارداد منفعتی غیر از قمار نظیر تجارت یا سرمایه‌گذاری مد نظر طرفین باشد، قرارداد قماری تلقی نمی‌شود.

اینک که مفهوم قمار در حقوق ایران و انگلیس به‌اختصار معلوم شد، شایسته است هریک از ایراداتی که مستند قماری بودن قرارداد اختیار معامله واقع شده است به‌طور مستقل بررسی شود.

۳. شبهه قماری بودن ناشی از عناصر و اوصاف یکسان

در فقه و حقوق ایران قمار از نظر ماهیت مبتنی بر دو عنصر «برد و باخت» و «بازی» است. بررسی وجود این دو عنصر در قرارداد اختیار معامله وضعیت حقوقی آن را روشن می‌سازد.

۳-۱. عنصر برد و باخت

یکی از دلایل عدیده بطلان قمار، عنصر برد و باخت و در نتیجه احتمالی بودن یکی از دو عوض آن و وجود غرر در این عقد است. حقوقدانان به‌طور معمول از قمار به‌عنوان عقدی احتمالی یاد می‌کنند که در آن شانس نقش عمده و اساسی ایفا می‌کند. عقد

شانسی عقدی است که در تحقق یکی از دو مورد عقد احتمال و شانس وجود دارد و روابط مالی طرفین به اتفاق و بخت وابسته است. در مقابل عقد قطعی، عقدی است که هر دو مورد عقد قطعی و غیرشانسی است. [۱۷، ص ۹۷].

به تصور برخی، قرارداد اختیار معامله از نظر شرط برد و باخت و احتمالی بودن مورد آن شبیه قمار است. برای مثال السلامی بیان می‌دارد: «نزدیک‌ترین چیز به قرارداد اختیار معامله، قمار است. شانس هریک از طرفین قرارداد برای دارا شدن بستگی به زیان طرف مقابل دارد که بر طبق حرکات بازار که امری کاملاً شانسی و خارج از اراده طرفین است تعیین می‌شود» [۱، ص ۲۱۲]. برای درک صحیح از میزان احتمال و شانس در قرارداد اختیار معامله شناخت حالات مختلف تصمیم‌گیری مفید به نظر می‌رسد.

برخی معتقدند تصمیم‌گیری در هر امری با توجه به میزان اطلاعات مورد نیاز به چهار دسته تقسیم می‌شود:

وضعیت اطمینان کامل: در این وضعیت تصمیم‌گیرنده تمام اطلاعات مورد نیاز برای تصمیم‌گیری را در اختیار دارد.

وضعیت ریسک: در این حالت، اگرچه اطلاعات به طور کامل موجود نیست، اما میزانی از اطلاعات برای تخمین نتیجه موجود است.

عدم اطمینان: در این فرض تصمیم‌گیرنده هدف را می‌داند، اما اطلاعات مورد نیاز در دسترس برای تصمیم‌گیری کافی نیست.

ابهام: در این حالت هدف غیرواضح است و اطلاعات مورد نیاز در دسترس نیست که در واقع سخت‌ترین وضعیت تصمیم‌گیری است [۱۸، ص ۱۱۸].

براساس تقسیم فوق، در قراردادهای قمار تصمیم‌گیری در وضعیتی مبهم، بدون علم و اطمینان صورت می‌گیرد، در حالی که در سایر عرصه‌های زندگی و همچنین عرصه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری نظیر قرارداد اختیار معامله، هرچند ممکن است تمام اطلاعات مورد نیاز برای تصمیم‌گیری در دسترس نباشد، اما میزانی از اطلاعات برای تخمین نتیجه مورد نظر وجود دارد. در واقع تمایز بین دو حالت ریسک و ابهام در این است که در وضعیت ریسک شخص می‌تواند از اطلاعات موجود در این زمینه

استفاده کند و احتمالات آماری را که دیگران به طور عینی آن را ارزیابی می‌کنند، به کار ببرد؛ اما در شرایط ابهام و عدم اطمینان، برآورد نتیجه نمی‌تواند از طریق احتمالات عددی باشد. پس شخص باید نتایج را به طور ذهنی و با درجه بالایی از عدم اطمینان به آینده برآورد کند.

آنچه یک معامله را غرری و در شرایطی قمار می‌کند، صرف ریسک نیست، بلکه ابهام و عدم قطعیت نسبت به وضعیت ارکان عقد در آینده است. به واقع در قمار وضعیت معامله مبهم و غیرقطعی است، به گونه‌ای که هیچ کنترلی بر آن نیست، چنان‌که طرفین یک قرارداد قمار نمی‌دانند در مقابل گرویی که وسط می‌گذارند چه چیز عایدشان می‌گردد. اما در قرارداد اختیار معامله و چه بسا سایر عرصه‌های زندگی، شانس و به عبارت بهتر ریسک و خطر همیشه وجود دارد و این امر باعث ابهام و عدم قطعیت و در نتیجه تصمیم‌گیری در محیطی مبهم و تاریک نمی‌شود؛ زیرا نکته قابل تأمل و مهم در قرارداد اختیار معامله این است که عوضین آن کاملاً مشخص است. به عبارت دیگر تحقق یکی از دو مورد عقد وابسته به شانس و احتمال نشده است، بلکه در قرارداد به طور دقیق تعهدات طرفین مشخص است [۱۹، ص ۲۴]؛ به این صورت که فروشنده اختیار، نسبت به خرید یا فروش مال معینی به قیمت مشخص در آینده متعهد می‌شود و خریدار اختیار نیز متقابلاً نسبت به پرداخت قیمت اختیار متعهد می‌گردد. اجرای تعهد خریدار نسبت به پرداخت قیمت اختیار فوری است، در حالی که فروشنده زمانی به اجرای تعهد خود ملزم است که خریدار از او تقاضا کرده باشد. بنابراین، خریدار می‌تواند نسبت به مطالبه حق خود در زمان مقرر اقدام کند و یا اساساً از آن صرف‌نظر کند.

بدین ترتیب، آنچه در قرارداد اختیار معامله نامعلوم است تعهدات طرفین در هنگام عقد نیست. بلکه، مقدار دقیق سود و زیان هریک از طرفین عقد در آینده است. در حالی که همگان می‌دانند معین نبودن قطعی سود و زیان هریک از طرفین در هنگام عقد در همه عقود وجود داشته، از این حیث میان عقود احتمالی و قطعی تفاوتی وجود ندارد؛ زیرا معین نبودن سود و زیان طبیعت واقعی عقد را دگرگون نمی‌کند [۲۰، ص ۱۲۴]. سود و زیان احتمالی طرفین قرارداد اختیار معامله از تعهد اصلی عقد ناشی نگردیده و

معلول توافق هنگام عقد آنان نیست، بلکه معلول واقعه‌ای است که بعد از عقد پدید آمده است و چون هیچ کس نمی‌تواند به طور قطعی منافع کارهای خود را از قبل پیش‌بینی کند، چنین سود و زیانی در همه عقود محتمل است.

بدین ترتیب، قرارداد اختیار معامله را باید از حیث احتمالی نبودن مورد عقد از جمله عقود قطعی دانست که بخت و تصادف در تعیین دو عوض آن دخالت ندارد و تعهدات هریک از طرفین در مقابل دیگری به صورت قطعی تحقق می‌یابد، ولی اجرای تعهد فروشنده در آینده براساس تصمیم خریدار اختیار خواهد بود [۴، ص ۷۹].

شایان ذکر است، بر فرض که مورد قرارداد اختیار معامله احتمالی و وابسته به شانس باشد، صرف وجود عنصر احتمال، یک قرارداد را قمار نمی‌کند، چرا که نقش احتمال در عرصه‌های مختلف زندگی انکارناپذیر است؛ به گونه‌ای که در قوانین ما عامل «احتمال» به کلی حذف نشده است. مشارکت‌ها، خرید و فروش میوه نارس بر درخت و به تخمین مقدار، ضمان از دینی که مقدار آن معلوم نیست، برقراری حق انتفاع به صورت عمری، صلح دعاوی احتمالی، جعاله در انجام کاری که چگونگی آن معلوم نیست، شرط‌بندی در تیراندازی و شمشیرزنی و دوانیدن حیوانات سواری، بیمه اموال و مسؤلیت و عمر و مانند این‌ها نمونه‌های بارز از قراردادهای احتمالی در حقوق ما است که عامل نیاز ضروری جامعه یا انگیزه احسان سبب شده است که قانونگذار وجود احتمال در قراردادهای مزبور را بی‌اهمیت به شمار آورد [۲۱، ص ۲۰۴].

۲-۳. عنصر بازی

از نظر ماهیت در قرارداد اختیار معامله، مفهوم بازی صدق نمی‌کند. اعمال و اقدامات طرفین قرارداد اختیار معامله در سامانه معاملات، بازی تلقی نمی‌شود. نحوه عرضه، مشخصات قرارداد، تاریخ سررسید، قیمت توافقی، حساب ودیعه، تصفیه حساب روزانه و... همگی براساس دستورالعمل و نظارت سازمان بورس انجام می‌شود که از دیدگاه عرف نمی‌توان این اقدامات را به منزله بازی دانست.

بازارهای اختیار معامله بیش از آن‌که مکان بازی باشد، محل تحلیل آینده بازار و پیشبرد یک فعالیت مالی و اقتصادی است. وانگهی در فقه امامیه علت حرمت بازی با

آلات قمار، لهو و لعب بودن آن و اشتغال ذهن از ذکر خدا است که در بازارهای اختیار معامله چنین امری موضوعیت ندارد.

۴. شبهه قمار ناشی از درآمد نامشروع

نصوص اسلامی همواره بر بهره‌گیری صحیح از اموال و ثروت‌ها و منابع طبیعی تأکید دارد و انسان را از فعالیت‌های ناسالم اقتصادی منع می‌کند [۲۲، ص ۱۲۷]. بر این اساس، قانونگذار راه‌های مجاز انتقال اموال و تحصیل ثروت را تعیین کرده است. مهم‌ترین علت منع قانونی و شرعی قمار این است که شخص بدون سبب مشروع، مال دیگری را به دست می‌آورد. از این رو درآمد حاصل از قمار یکی از مصادیق بارز اکل مال به باطل به شمار آمده است.

صرفنظر از این‌که رابطه بین قمار و اکل مال به باطل رابطه عموم و خصوص مطلق است، یعنی هر معامله قمار اکل مال به باطل است، اما هر اکل مال به باطلی قمار نیست، باید بررسی کرد که آیا درآمد ناشی از قرارداد اختیار معامله مصداقی از اکل مال به باطل و قمار است.

۴-۱. مشروعیت درآمد ناشی از ریسک

شهید صدر منشأ درآمد را تنها در کار مفید اقتصادی بالفعل و ذخیره شده در ابزار تولیدی و کالاهای سرمایه‌ای دانسته، بیان می‌دارد که مخاطره و ریسک نمی‌تواند منشأ درآمد باشد [۲۳، ص ۲۲۴]. در واقع ریشه نظریه شهید صدر در عدم تفکیک ایشان بین اقسام ریسک است. بنابراین، مخاطره را به طور مطلق فاقد ارزش دانسته، ریسک را منحصر به فعالیت‌هایی مانند قمار می‌داند.

از آن‌جا که سود حاصل از قرارداد اختیار معامله ناشی از تحمل ریسک و خطر است و به طور معمول در این قراردادها قصد واقعی تسلیم و تسلیم مورد عقد وجود ندارد، سود حاصل از این قراردادها از طرق مشروع انتقال ثروت به دست نمی‌آید، بلکه همانند قمار درآمد آن ناشی از تحمل ریسک و خطر است.

در پاسخ به این ایراد به نظر می‌رسد اولاً بر خلاف شهید صدر استاد مطهری می‌فرمایند در دنیای امروز و اقتصاد مدرن، علاوه بر سه عامل کار، زمین و سرمایه در تحقق تولید، تحمل مخاطره و ریسک نیز شرط لازم برای تولید است و انکار آن به معنای نادیده گرفتن یکی از نهادهای ضروری تولید است [۲۴، ص ۲۵۰]. ثانیاً به دست آوردن سود از ریسک در آموزش‌های اسلامی نفی نشده است. در عین حال به دست آوردن سود از هر ریسکی نیز پذیرفته نشده است. پس باید بررسی کرد که آیا کسب درآمد از ریسک موجود در قرارداد اختیار معامله همانند قمار از نوع نامشروع است یا نه. هرچند در هر دو قرارداد عنصر ریسک نقش اساسی ایفا می‌کند، ولی بررسی‌ها نشان می‌دهد که ریسک این دو قرار داد از جهات عدیده با یکدیگر متفاوتند.

۴-۱-۱. از نظر تولید ریسک

با ورود به بازی قمار، اموال شخص در معرض خطر قرار می‌گیرد. از این رو قمار مستلزم ایجاد ریسک، تشویش و اضطراب است، در حالی که یکی از کارکردهای اصلی قرارداد اختیار معامله پوشش و گریز از ریسک است. خطرگریزان در بازار اختیارات با انعقاد قرارداد خود را از خطر حرکت زیانبار قیمت‌ها محفوظ می‌دارند. از این رو اختیار معامله توأم با تأمین و آرامش خاطر است. از طرف دیگر، خطرپذیران و بورس‌بازان در این بازار همانند یک بیمه‌گر با انجام محاسبات مالی و فنی به دنبال تجارت و کسب سود خود هستند، این گروه در بازار اختیارات ریسکی را مدیریت می‌کنند که تحت تأثیر مبادلات تجاری و به خودی خود وجود دارد و آنان به طور معمول در ایجاد آن دخالتی ندارند. پس قمار، قراردادی مولد ریسک و اختیار معامله، قراردادی برای مصونیت از ریسک و کسب سود است [۲۵، ص ۱۸۵].

۴-۱-۲. از نظر نوع ریسک

لازمه پیشرفت اقتصادی و ایجاد ثروت تحمل ریسک است. اگر همه فعالان عرصه اقتصادی و واسطه‌های مالی، فقط در زمینه‌های بدون ریسک سرمایه‌گذاری کنند، قابلیت رشد کسب و کار به وجود نمی‌آید [۲۶، ص ۱۱۱]. کارشناسان اقتصاد اسلامی معتقدند:

در اسلام نیز پذیرش ریسک و خطر در عرصه‌های مختلف زندگی و تصمیم‌گیری مورد تأیید واقع شده است، به طوری که در آموزه‌های اسلامی، مسلمانان در هنگام مواجهه با عدم اطمینان، در حد توان تلاش می‌کنند و حصول نتیجه را به خداوند واگذار می‌کنند [۱۸، ص ۱۳۱]. ولی در اسلام هر ریسکی پذیرفته نشده است. چنان‌که بیان شد، قمار که نمونه بارز ریسک و خطر کردن محسوب می‌شود از دیدگاه اسلام مذموم است. در این دیدگاه، ریسکی مورد پذیرش است که اولاً مفید باشد، ثانیاً به خلق ارزش بینجامد و ثالثاً هرچند خصیصه ذاتی فعالیت‌های اقتصادی، غیرقابل کنترل بودن آن است، اما به منظور جلوگیری از زیان، ریسک باید قابل کنترل باشد [۱۸، ص ۱۲۸].

پس ریسک به طور طبیعی نه‌تنها از فعالیت‌های اقتصادی جدایی ناپذیر است، بلکه لازمه رشد و پیشرفت اقتصادی است. از این رو آموزه‌های اسلام مخالف با ریسک (مفید، مولد و قابل کنترل) نیست و حتی چنین ریسکی می‌تواند پشتیبانی برای ابزارهایی که در جهت پوشش ریسک به کار می‌روند نیز باشد.

بدین ترتیب، ریسک موجود در قرارداد اختیار معامله، ریسکی مفید و مولد است؛ زیرا علاوه بر فوایدی نظیر مدیریت ریسک، برآورد قیمت کالا در آینده، افزایش کارایی بازار و قدرت نقدشوندگی [۲۷، ص ۹۹] می‌تواند سرمایه‌های اندک اشخاص را به جای سرگردانی در بازارهای کاذب به سمت و سوی بازار سرمایه و در نهایت رونق تولید سوق دهد، در حالی که ریسک موجود در قمار مفید و مولد نیست.

۳-۱-۴. از نظر کنترل ریسک

این‌که سرمایه‌گذاری و قمار هر دو دارای ریسک هستند امری انکارناپذیر است. از این رو سرمایه‌گذاران سرمایه خود را در بخش‌های متعددی سرمایه‌گذاری می‌کنند تا از این طریق به مدیریت ریسک پرداخته، زیان بالقوه را کاهش دهند [۲۸، ص ۱۵-۲۰]. در قرارداد اختیار معامله نیز خریدار در جهت کنترل و پوشش ریسک تمام سرمایه‌اش را از ابتدا به خطر نمی‌اندازد، بلکه تنها قیمت اختیار را می‌پردازد تا اگر حرکت قیمت‌ها به سود او بود، قرارداد را اعمال کند و در غیر این صورت از اعمال آن منصرف شود؛ در حالی که عامل قمار مدیریت و کنترلی بر آن ندارد و با شروع شدن

جریان قمار تمام سرمایه به میان گذاشته شده در خطر می افتد. افزون بر این، اطلاعات مربوط به بازارهای مالی و اقتصادی برای عموم مردم که خواستار سرمایه گذاری هستند موجود و در دسترس است تا قبل از هر اقدامی با مطالعه و دیدی باز مسیر خود را انتخاب کنند؛ در حالی که درخصوص قمار هیچ گونه اطلاعاتی رد و بدل نمی شود و وقتی کسی وارد کازینویی می شود نمی داند در یک ساعت و یا یک هفته گذشته چه اتفاقاتی در این مکان رخ داده است تا در پیشبرد اهداف او مؤثر باشد [۲۹، ص ۱۱۰].

همچنین قمار یک رویداد محدود و مقید به زمان است: یکباره بازی تمام می شود، فرصت سود بردن می آید و می رود، و قمارباز یا می برد یا می بازد. اما سرمایه گذاری در بازار ابزارهای مشتقه آنی نیست، بلکه فرایندی مدت دار است. در واقع سرمایه گذار در بلند مدت، پاداش به خطر انداختن سرمایه خود را دریافت می کند.

در واقع، سرمایه گذاری مبتنی بر تجزیه و تحلیل های مالی است. در مهندسی مالی هر روز تکنیک های جدید تجزیه و تحلیل جهت رسیدن به حداکثر سود ابداع می شود و اشخاص با هدف کنترل ریسک از این تکنیک های بهره می جویند.

۴-۱-۴. از نظر بازده و ریسک

قمارباز بر روی بازده معینی شرط بندی می کند ولی آنچه عاید او می شود متناسب با تحمل ریسک نیست؛ یعنی قمار باز از فعالیت خود که ریسک قابل ملاحظه ای دارد، نفعی جز عملیات قمار نمی برد و درآمدی متناسب با آن ندارد؛ اما بورس باز متناسب با تحمل ریسک از نفع تجاری بهر مند می شود. اگر ریسک سرمایه گذاری وی افزایش یابد درآمد و بازده آن نیز افزایش می یابد و اگر ریسک کاهش یابد درآمد وی نیز کاهش می یابد؛ در حالی که رفتار قمارباز شبیه به دوستدار ریسک است و دوستدار ریسک بازده کم تر را در مقابل ریسک بیش تر طلب می کند و در هنگام گزینش، گزینه مخاطره آمیز را انتخاب می کند تا وانمود کند قدرت خطرپذیری بالایی دارد. اما رفتار بورس بازان این گونه نیست، آن ها با سنجش و بصیرت به استقبال خطر می روند و اساساً تمام درآمدها را در یک زمینه به خطر نمی اندازند. آن ها با خرید و فروش مداوم اوراق بهادار گوناگون به نوعی از این خطر دوری می جویند؛ یعنی به محض این که ارزش

سهام رو به کاهش است آن را منتقل کرده، سهام دیگری می‌خرند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود ریسک موجود در قرارداد اختیار معامله ریسکی مفید، قابل کنترل و دارای بازده متناسب است. وانگهی قرارداد مذکور برخلاف قمار در تولید ریسک دخالت ندارد، بلکه ریسک موجود را کنترل و مدیریت می‌کند.

۴-۲. مشروعیت درآمد ناشی از تفاوت قیمت‌ها

یکی از موارد مهم و اصلی شبهه‌ی قماری بودن اختیار معامله زمانی است که این قراردادها به شیوه تصفیه حساب نقدی خاتمه می‌یابد. در رویه قضایی انگلیس آرایه وجود دارد که قرارداد اختیار معامله را به علت عدم تحویل فیزیکی قمار می‌داند، چرا که به واقع طرفین این قرارداد انگیزه‌ای غیر از گرفتن تفاوت قیمت‌ها ندارند. بنابراین، مخالفین قرارداد اختیار معامله بر این نظرند که در تصفیه حساب نقدی هدف طرفین، مالکیت بر کالای پایه نیست و تنها در پی سود بردن از تفاوت قیمت زمان انعقاد قرارداد و زمان اعمال آن هستند از این رو این قراردادها قمار می‌هستند [۱، ص ۲۱۱].

شایان ذکر است، قرارداد اختیار معامله در بورس به صور مختلف از جمله تصفیه حساب نقدی و یا تحویل کالای موضوع قرارداد اصلی خاتمه می‌یابد. زمانی که قرارداد اختیار معامله اعمال و منجر به تحویل دارایی پایه به ذینفع می‌شود احتمال این‌که چنین قراردادی را قمار تلقی کنیم، ضعیف است؛ زیرا در این حالت چنین فرض می‌شود که خریدار قصد واقعی برای تملک دارایی پایه را داشته است. اما در تصفیه حساب نقدی شائبه قمار بروز می‌کند؛ زیرا ممکن است شامل نوعی شرط‌بندی بر روی درآمد ناشی از تغییر قیمت‌ها در بازار باشد. در این حالت ذینفع با اعمال حق خرید یا فروش خود، به جای قبض و اقباض مبیع و ثمن، تفاوت میان قیمت توافقی و قیمت روز دارایی پایه را از متعهد دریافت می‌دارد. به بیان دیگر، گویا طرفین قرارداد اختیار معامله قصد قبض و اقباض مبیع و ثمن عقد اصلی را ندارند، بلکه بر واقعه محتمل تغییر قیمت‌ها شرط‌بندی می‌کنند که با قطعیت این واقعه یکی از آن‌ها مبلغی پول از دیگری طلبکار می‌شود و این چیزی شبیه قمار است [۲۷، ص ۱۵۶].

تصفیه حساب نقدی به طور عمده در صورتی تحقق می‌یابد که تحویل دارایی پایه به

دلایل مختلف مطلوب طرفین نباشد؛ زیرا طرفین قرارداد اختیار معامله در کنار پوشش ریسک در جهت افزایش هر چه بیش‌تر سود و کاهش هزینه‌های خود می‌کوشند [۳۰، ص ۲]. پس در مواردی که دارایی پایه فاسدشدنی است و یا به لحاظ جغرافیایی تحویل آن دشوار و پرهزینه است، تفاوت بین قیمت دارایی پایه در زمان عقد و قیمت فعلی پرداخت و به قرارداد خاتمه داده می‌شود. در این حالت فرض فقدان قدرت بر تسلیم منتفی است، زیرا دارایی پایه ویژگی خاصی ندارد که غیر قابل تسلیم باشد. بنابراین، منعی ندارد که طرفین قرارداد به جای تسلیم و تسلیم دارایی پایه به شیوه دیگری به قرارداد خود خاتمه دهند. پس عدم تمایل و انگیزه طرفین قرارداد اختیار معامله به تسلیم و تسلیم دارایی پایه و تمایل آنان به تصفیه نقدی را نباید به معنای فقدان قصد جدی بر انجام معامله و در نتیجه قمار بودن قرارداد دانست.

وجود راه‌های مختلف قانونی برای خاتمه یک قرارداد خود به معنای اجرای تعهدات ناشی از آن قرارداد و برائت ذمه متعهد است. به عبارت دیگر، هدف اصلی طرفین از وارد شدن به چنین قراردادی، پوشش ریسک است، در شرایطی که سرمایه‌گذار با سنجش وضعیت بازار قرارداد را اعمال می‌کند گویا به هدف اصلی خود، یعنی پوشش ریسک رسیده است. پس دیگر نحوه رسیدن به این هدف - تحویل فیزیکی دارایی پایه یا تصفیه حساب نقدی - تأثیری در اصل صحت عقد ندارد، خصوصاً این‌که تصفیه نقدی خود نوعی ایفای عهد است که به جای تحویل دارایی پایه، ذینفع را در موقعیتی قرار می‌دهد تا بتواند دارایی پایه را با هزینه‌ای حتی کم‌تر از تحویل موضوع تعهد در بازار نقدی تهیه کند. پس صحت و اعتبار یک قرارداد ملازمه‌ای با تسلیم و تسلیم موضوع آن ندارد؛ زیرا راه‌های سقوط تعهد متعدد است و الزاماً به تسلیم موضوع تعهد ختم نمی‌شود.

۵. شبهه قماری ناشی از جهت نامشروع

اشخاص از انجام معامله اهداف و انگیزه‌های گوناگونی دارند، اما از میان آن‌ها همیشه یک هدف مهم‌تر و انگیزه اصلی محسوب می‌شود. این هدف، جهت معامله نامیده

می‌شود که براساس ماده ۱۹۰ قانون مدنی باید مشروع باشد. بنابراین، جهت معامله هدف بی‌واسطه است که بدون آن معامله تحقق نمی‌یابد [۳۱، ص ۱۴۲]. هرچند انگیزه نامشروع قمار می‌تواند قرارداد را به علت مخالفت با قانون، نظم عمومی و اخلاق حسنه باطل کند، اما این جهت نامشروع براساس ماده ۲۱۷ ق.م. زمانی مؤثر است که تصریح شده باشد.

صرفنظر از اختلافاتی که در زمینه لزوم تصریح به جهت نامشروع یا عدم تصریح آن در قرارداد وجود دارد [۱۷، ص ۲۹۲؛ ۲۰، ص ۲۲۳] انگیزه شخصی که قرارداد اختیار معامله را منعقد می‌کند باید مشروع باشد. برخی معتقدند انگیزه کسانی که وارد بازار اختیار معامله می‌شوند مشروع نیست. برای مثال «کسی که اختیار معامله سهام شرکتی را می‌خرد علاقه‌مند به مالکیت سهام و به عبارتی سهامدار شدن در آینده نیست. انگیزه او سود بردن از تفاوت قیمت‌ها است که تفاوتی میان قمار و سود بردن از تفاوت قیمت‌ها وجود ندارد» [۱، ص ۲۱۲].

در پاسخ به این ایراد به نظر می‌رسد اشخاص با اهداف گوناگونی وارد این معامله می‌شوند؛ اما مشخص است که هدف اصلی و مهم آنان پوشش ریسک همراه با رسیدن به سود است، نه قمار؛ چرا که اولین و مهم‌ترین کارکرد قرارداد اختیار معامله پوشش ریسک است. پس باید صرفاً انگیزه‌هایی را مد نظر قرار داد که به طور قاطع جاذب مستقیم اراده و تراضی قرار گرفته است و به هدف‌های دور و احتمالی توجه نکرد. به یقین نمی‌توان اشخاصی را که با انگیزه مشروع و با هدف تجارت و سرمایه‌گذاری به داد و ستد تأمینی در بازار اختیارات می‌پردازند، قمارباز گفت. افزون بر این، روش‌های مستدل قیمتگذاری و مذاکرات تجاری که برای ایجاد قرارداد اختیار معامله انجام می‌شود به گونه‌ای است که نمی‌توان انگیزه طرفین آن را قمار دانست؛ زیرا به تعبیر برخی نویسندگان انتظار کسب سود از نوسانات محتمل آینده بازار که مبتنی بر محاسبات ریاضی و اقتصادی است، نمی‌تواند همانند قمار که به منزله پرتاب تیر در تاریکی و انتظار کسب سود است، باشد [۳۲، ص ۲۶۰].

در حقوق انگلستان، طبق بخش ۱۸ قانون قمار سال ۱۸۴۵ برای این‌که یک معامله قمار و غیرقابل اجرا باشد باید انگیزه هر دو طرف از انعقاد معامله، قمار باشد و اگر

معامله برای اهداف دیگر غیر از قمار به کار رود این قرارداد قمار و شرط بندی نیست [۳۳، ص ۴]؛ چنان که در این نظام حقوقی مواردی وجود دارد که هر چند تمام عناصر قمار در آن ها جمع است، اما چون با هدف خیر و مشروع تحقق یافته قمار محسوب نشده است [۳۴، ص ۱۳؛ ۳۵، ص ۴]. قوانین انگلستان در گذشته برای مقابله با این شبهات و اطمینان دادن به سرمایه گذاران راهکارهای قانونی ارائه کرده اند. برای نمونه قانون خدمات و بازارهای مالی مصوب ۲۰۰۰ قراردادی که یکی از شرایط ذیل را داشته باشد قمار دانسته است.

اول: هر دو طرف یا یکی از آن ها قرارداد را با هدف تجاری منعقد کند.

دوم: انعقاد یا اجرای این قراردادها توسط هر کدام از طرفین فعالیتی از نوع خاص را تشکیل دهد و یا شامل و متعلق به نوع خاصی از فعالیت باشد.

سوم: قرارداد مرتبط با نوع خاصی از سرمایه گذاری باشد یا این که در نوع معینی از سرمایه گذاری قرار گیرد.

این قانون سرمایه گذاری را شامل اوراق اختیار معامله نیز می دانست و سرمایه گذار را کسی به حساب می آورد که به خرید و فروش این اوراق می پردازد. پس اگر در قراردادهای اختیار معامله یکی و یا هر دو طرف از انعقاد قرارداد هدف تجاری داشته باشد، این قرارداد به واسطه قمار بودن باطل و غیر قابل اجرا نیست؛ چرا که خرید و فروش اوراق اختیار معامله عمل تجاری محسوب می شود و قصد سرمایه گذاری در این موارد مفروض است.

شایان ذکر است، بخش ۱۷ قانون قمار سال ۲۰۰۵ که جدیدترین قانون در زمینه قمار است، قراردادهای قمار را معتبر و قابل اجرا دانسته است. براساس این قانون، آن قسمت از قوانین قبل که قراردادهای قمار را باطل و تعهدات راجع به آن ها را غیر قابل اجرا می دانسته، نسخ شده است. از مهم ترین قوانین نسخ شده در این بخش می توان به بخش ۱۸ قانون قمار سال ۱۸۴۵ در خصوص بطلان قرارداد قمار و بخش ۴۱۲ قانون خدمات و بازارهای مالی ۲۰۰۰ اشاره کرد. همان گونه که گذشت، برابر قانون خدمات مالی سال ۲۰۰۰ تنها قراردادهایی قابل اجرا است که با هدف تجاری و سرمایه گذاری

منعقد شده باشد. اما براساس قانون قمار ۲۰۰۵ تمام قراردادهای که با انگیز قمار و حتی بدون انگیزه سرمایه گذاری و تجارت منعقد می‌شود نیز قابل اجرا است.

جدول مقایسه قرارداد اختیار معامله با قمار

اختیار معامله	قمار	به اعتبار
تعهد به خرید و فروش	بردن و باختن مال	موضوع قرارداد
قطعی - بدون غرر	احتمالی - غرری	قطعی یا احتمالی بودن
سنجش اطلاعات بازار	شانس و تصادف	مبنای تصمیم‌گیری
مدیریت ریسک موجود	ایجادکننده ریسک	وجود ریسک
مفید، مولد و قابل کنترل	غیر مفید، غیرمولد و غیرقابل کنترل	نوع ریسک
مدیریت ریسک و کسب سود	کسب مال بلاجهت	انگیزه
متناسب با میزان ریسک	نامتناسب با میزان ریسک	بازده قرارداد
ایجاد اطمینان و ترغیب به سرمایه‌گذاری	ایجاد نفاق و کینه توزی	نتیجه قرارداد
مشروع	غیر مشروع	منفعت قرارداد
صحیح	باطل	وضعیت قرارداد

۶. نتیجه‌گیری

در حقوق ایران با اتکای به آموزه‌های فقهی قراردادی قماری تلقی می‌شود که دارای دو عنصر «بازی با وسایل قمار» و «برد و باخت» یا دست‌کم یکی از این دو عنصر باشد؛ در حالی که در قرارداد اختیار معامله نه بازی صورت می‌گیرد و نه عامل برد باخت در آن دخیل است.

1. Gambling Act 2005, Chapter 19, Part 1, Sec.1: The Licensing Objectives.

قمار نیز مانند هر قراردادی دارای مجموعه‌ای از عناصر و اوصاف مخصوص به خود است. پس وجود احتمالی برخی از این عناصر در قرارداد دیگر، دلیل قماری بودن آن قرارداد نیست. قرارداد اختیار معامله از جهات عدیده از جمله موضوع قرارداد، قطعی بودن مورد عقد، نوع ریسک، انگیزه طرفین، بازده و نتیجه قرارداد با قمار تفاوت اساسی دارد و به همین دلیل نمی‌توان اختیار معامله را قمار دانست.

در حقوق انگلستان، به رغم فراز و نشیبی که مشروعیت این قرارداد در رویه قضایی پیموده است، قانون خدمات مالی سال ۲۰۰۰ این کشور قرارداد اختیار معامله‌ای را که در آن قصد طرفین تجارت و سرمایه‌گذاری است، قمار تلقی نکرده است. افزون بر این، قانون قمار سال ۲۰۰۵ به طور کلی قرارداد اختیار معامله را - با هر انگیزه‌ای که انعقاد یافته باشد - از شمول قمار خارج دانسته است.

۷. منابع

- [1] Al-Amin, M. Al-bashir, *Risk management in Islamic finance: An analysis of derivatives instruments in commodity market*, Boston, 2008.
- [۲] حسین زاده، جواد و عبدالحسین شیروی، «وضعیت فقهی و حقوقی قرارداد اختیار معامله» فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۲۷، ۱۳۸۶.
- [۳] رضایی، مجید، «اوراق اختیار معامله در منظر فقه امامیه» فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، ش ۲۵، ۱۳۸۴.
- [۴] حسین زاده، جواد، «اوصاف قرارداد اختیار معامله»، مجله حقوق اسلامی، ش ۲۲، ۱۳۸۸.
- [۵] یعقوبی، ابوالقاسم، «احکام فقهی مسابقه از نظر آقا جمال و سیدحسن خوانساری»، مجله فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)، ش ۱۹ و ۲۰، ۱۳۷۸.
- [۶] انصاری، مرتضی، المکاسب، ج ۱، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۰ ق.
- [۷] خویی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، ج ۱، نجف، چاپ حیدری، ۱۳۷۴.
- [۸] نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرایع الاسلام، مصحح محمود قوچانی، ج ۲۲، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷.

- [۹] خمینی، روح الله، *مکاسب المحرمه*، ج ۲، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- [۱۰] مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، *مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الانهان*، ج ۸، چ ۴، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۸۳.
- [۱۱] شهید ثانی، زین الدین بن علی، *مسالك الافهام*، ج ۳، قم، مؤسسه معارف الاسلامیه، ۱۴۱۹ هـ.ق.
- [۱۲] نراقی، احمد بن محمد مهدی، *مستند الشیعه فی احکام الشریعه*، ج ۱۴، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- [۱۳] جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *ترمینولوژی حقوقی*، تهران، ۱۳۷۰.
- [۱۴] امامی، سیدحسن، *حقوق مدنی*، ج ۲، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۶.
- [15] Martin, ElizabethA, *Dictionary of Law*, uk, Oxford University Press, 2006.
- [16] Christopher Chen, C-hung, *Dividing Hedging & Gambling*, Available from: <http://www.opticon1826.com/article/> last visat 2012.
- [۱۷] شهیدی، مهدی، *تشکیل قراردادهای و تعهدات*، تهران، نشر حقوقدان، ۱۳۷۷.
- [۱۸] مصباحی مقدم، غلامرضا، صفری، محمد، «بررسی درآمد حاصل از تحمل ریسک از دیدگاه آموزه‌های اسلامی»، *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، ش ۳۶، ۱۳۸۸.
- [19] Hudson, Alastair, *Dealing with Derivatives*, Available from: www.alastairhudson.com, last visat 2012.
- [۲۰] کاتوزیان، ناصر، *قواعد عمومی قراردادها*، ج ۱، چ ۴، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶.
- [۲۱] _____، *قواعد عمومی قراردادها*، ج ۲، چ ۴، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶.
- [۲۲] اسماعیلی، اسماعیل، «اکل مال به باطل در بینش فقهی شیخ انصاری»، *مجله فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)*، ش ۱، ۱۳۷۳.
- [۲۳] صدر، محمدباقر، *اقتصاد ما*، مترجم محمد برهانی، قم، کنگره بین‌المللی آیت الله صدر، ۱۳۷۹.
- [۲۴] حسینی، سید محمد، *تحلیل فقهی اقتصادی مشتقات با تأکید بر قرارداد آتی‌ها و*

- قرارداد اختیارات، پایان نامه دکتری معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۸.
- [۲۵] حسین زاده، جواد « بررسی حقوقی ساختار و اعتبار قرارداد آتی یکسان»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۸۰، ۱۳۹۱.
- [۲۶] عبداللهی سنهوی، محمد، بررسی فقهی معاملات مبتنی بر پوشش ریسک در بازار اختیارات، پایان نامه کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۷.
- [۲۷] حسین زاده، جواد، قرارداد اختیار معامله بررسی حقوقی و فقهی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱.
- [28] Louge, Ann c., *Day Trading for Dummies*, USA, John Wiley & Sons, 2011.
- [29] Mc Bride Johnson, P., *Derivates: A manager's guide to the world's most powerfull financial instrument*, USA, McGraw-Hill Companies, 1999.
- [30] Paul, Allen B., *The Role of Cash Settlement in Future Contract*, the American Enterprise Institute for Public Policy Research, Washington D.C, 1985.
- [۳۱] کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی: قرارداد-ایقاع، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۱.
- [32] Hudson, Alastair., *The Law on Financial Derivatives*, London, Sweet & Maxwell, 2006.
- [33] Rhode, Paul W. & Strumpf, K., *The Long History of Polotical Betting Markets: An International Perspective*, Available from: [http://www.unc.edu/~cigar/papers/Int_Election_Betting_Formatted FINAL](http://www.unc.edu/~cigar/papers/Int_Election_Betting_Formatted_FINAL), last visat 2012.
- [34] Wilson, Peter, *Gambling Contract are now Enforcable*, UK: Blake Laphorn. Available from: www.blaw.co.uk, last visat 2012.
- [35] Hehner, Eric, *Insurance & Gambling*, Canada, University of Toronto, 2009.